



<http://doi.org/10.22133/ISIA.2024.429232.1065>

تحلیلی بر ویژگی‌های قلمرو شخصی در مسکن براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ

عاطفه ظریف فیروز عسگری^۱، سارا محمدزاده اکبری^۲، معصومه برقچی^۳

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران.

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران.

^۳ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	شخصی‌سازی جنبه‌های مختلف طرح‌های معماری یکی از جدیدترین موضوعات در دنیای مدرن است. در این راستا، شناخت انسان و ویژگی‌های محیط سکونت او و چگونگی برقراری رابطه میان این دو عامل اهمیت دارد. هدف از این پژوهش، تحلیل و توصیف این رابطه با روش کیفی و با تکیه بر مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای با هدف تهیه راهنمای طراحی جامع براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ است؛ بنابراین ابتدا به بررسی نظریه تیپ‌های شخصیتی یونگ پرداخته شده است. سپس با نگاهی بر مفهوم قلمرو، خلوت‌گزینی و فضای شخصی‌سازی شده در مسکن، به تحلیل نیازهای فرد از جمله نیازهای محیطی براساس ویژگی‌های روان‌شناختی پرداخته شده است؛ چراکه قلمروهای شخصی‌سازی شده حس تعلق به مکان را افزایش می‌دهد و به واحدهای مسکونی هویت می‌بخشد. در ادامه، راهبردهای طراحی محیطی استخراج شده و براساس شاخص‌های محیطی برگرفته از مبانی، راهکارهای محیطی برای شخصی‌سازی قلمرو و راهنمایی برای طراح، به منظور طراحی محیطی براساس تیپ‌های شخصیت نظریه یونگ ارائه شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳	
واژگان کلیدی: انسان شخصیت نیاز قلمرو مسکن	
*نویسنده مسئول رایانامه: saramohamadzade1372@gmail.com	

نحوه استناددهی:

ظریف فیروز عسگری، عاطفه، محمدزاده اکبری، سارا، و برقچی، معصومه (۱۴۰۲). تحلیلی بر ویژگی‌های قلمرو شخصی در مسکن براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۲(۴)، ۱۶۵-۱۸۵.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

مقدمه

از جمله مباحث مهم و پیچیده در روان‌شناسی، موضوع شخصیت است. از طریق شناخت شخصیت^۱ و تبیین آن، می‌توان به صورت علمی رفتارها، نیازها و انگیزش‌های انسان را توصیف و تحلیل کرد و به منظور بهبود بسیاری از حوزه‌های زندگی انسان، از کیفیت روابط فردی و اجتماعی تا چگونگی محیط مصنوع از آن استفاده کرد. به زعم بسیاری از روان‌شناسان، محیط مهم‌ترین عاملی است که در شخصیت مؤثر است. بنابراین، در صحبت از محیط، ناگزیر باید علاوه بر انسان مؤثر، انسان متأثر را نیز در نظر داشت. به این منظور، تحلیل روان‌شناسی محیط مسئله‌ای گریزناپذیر است. در این علم، به تأثیر تفاوت‌های شخصی در طراحی محیط توجه شده و پژوهش‌های متعدد مطالعاتی، میدانی و تجربی در زمینه تأثیر تیپ‌های شخصیتی کاربران در طراحی فضا و تأثیر آن در هر تیپ انجام شده است. پژوهش حاضر گامی متفاوت و جدید در راستای بیان اصولی جامع‌تر و کامل‌تر در طراحی محیطی است که براساس نظریه عملکردهای شناختی و تیپ‌های شخصیتی یونگ^۲ شکل گرفته است. برای رسیدن به این هدف، از مفاهیم شناخته‌شده در روان‌شناسی محیط همچون قلمرو و فضای شخصی سازی شده (لنگ، ۱۳۹۴) استفاده شده است که می‌تواند مفصل مناسبی برای ترجمان مباحث شخصیتی روان‌شناسانه به راهکارهای محیطی باشد. همچنین مفهوم قلمرو را می‌توان به منزله یکی از عوامل تأثیرگذار در کیفیت ارتباط انسان با محیط مسکونی مدنظر قرار داد (عینی‌فر و لطیفی، ۱۳۹۰).

بنابراین در راستای هدف پژوهش، بررسی‌ها با این سؤالات آغاز می‌شوند:

۱) راهکارهای طراحی محیط مصنوع به منظور پاسخ‌گویی محیط به نیازهای فرد، با توجه به تیپ‌های شخصیتی نظریه یونگ چیست؟

۲) ویژگی‌های شخصیتی هر فرد چه نیازهای محیطی را موجب می‌شود؟

۳) چگونه می‌توان براساس شناخت نیازهای محیطی هر شخصیت، به راهبردهای طراحی قلمرو شخصی مخصوص آن فرد در مسکن

دست یافت؟

مرور ادبیات

امروزه در تمام دنیا، معماری و طراحی محیط انسان‌محور شده و توجه به نیازها و سعی در رشددهی مادی و معنوی انسان از طریق محیط ارزش بالایی پیدا کرده است. دیدگاه‌های تعاملی در مکاتب روان‌شناسی، معتقدند که انسان با محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند، از آن تأثیر می‌پذیرد و در آن تغییر ایجاد می‌کند. اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، محققان دریافته‌اند که تحقیقات در زمینه روان‌شناسی محیط و رفتار محیطی به دنبال هم‌بستگی‌های یکپارچه و یک‌طرفه بین ویژگی‌های فضایی و تغییرات رفتاری است. این موضوع احتمالاً به این دلیل است که محققان بعضاً موفق به یافتن این هم‌بستگی‌های جهانی شده‌اند. برای مثال، راوی و ژو^۳ (۲۰۰۹) دریافته‌اند که محیط‌های قرمز شرکت‌کنندگان را به عملکرد بهتر در جزئیات سوق می‌دهند و محیط‌های آبی به عملکرد بهتر در کارهای خلاقانه منجر می‌شوند. برخی از واکنش‌ها به معماری ممکن است جهانی باشند، اما محققان دریافته‌اند که به منظور اعتبار بیشتر یافته‌ها، برای بررسی این‌که آیا واکنش‌ها به شخصیت یا برخی تفاوت‌های دیگر محیط فضایی بستگی دارد یا خیر باید از کنترل‌هایی استفاده کنند. در این زمان، محققان رفتار محیطی به طراحی مطالعاتی نیاز داشتند که تفاوت‌های فردی در واکنش‌ها به فضا را در نظر گرفته و معیارهای صحیحی را برای تحلیل ویژگی‌ها فضایی و رفتاری تعریف کنند. از آن سال‌ها تاکنون، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری مبتنی بر این رویکرد انجام شده و در بسیاری از مطالعات میدانی و نظری، تفاوت‌های بین فردی ناشی از تیپ‌های مختلف شخصیتی پژوهش و سنجش شده‌اند که با توجه به هدف و رویکرد این مقاله، در ادامه برخی از مطالعات مرتبط، همراه با رویکرد و نتیجه آن‌ها بررسی می‌شوند.

1. Character
2. Jung's psychological types
3. Ravi & Zhu

پیشینه پژوهش

کوک و فارنهام^۱ (2012) در پژوهشی، با مدنظر قراردادن نظریه روان‌شناختی مدل پنج‌عاملی شخصیت و بررسی جامعه نمونه، که متشکل از دانشجویان سال اول کارشناسی بودند، اظهار داشتند که شخصیت افراد هم تأثیر مستقیم و هم غیرمستقیم در ترجیحات زیبایی‌شناسانه آن‌ها دارد. پارک و لی^۲ (2013) در پژوهشی که بین دانشجویان دختر و پسر طراحی داخلی انجام دادند، نیازهای طراحی داخلی را با توجه به تیپ شخصیتی کاربر تحلیل کردند و در نهایت نیز دستورالعمل‌ها و شیوه‌های طراحی داخلی برای هر تیپ شخصیتی را ارائه دادند. آن‌ها اظهار داشتند بهتر است در پژوهش‌های آینده، مطالعاتی برای ارائه ویژگی‌های هر عنصر طراحی انجام شود.

متیوز^۳ و همکاران (2010) در پژوهشی، طی چهار ترم متوالی، از دانشجویان سال سوم طراحی داخلی خواستند تا برای خود، خانه‌ای در چهارچوب پارامترهای فضایی دقیق طراحی کنند. قبل از پژوهش نیز با آزمون‌های روان‌شناسی، تیپ شخصیتی آن‌ها ثبت شد. آن‌ها با این روند تأثیر تمایلات شخصی براساس ویژگی‌های تیپ‌های شخصیتی مایرز بریگز در طراحی خانه را بررسی کردند. ویژگی‌های طراحی مطالعه‌شده آن‌ها شامل اصول سازمان‌دهی فضا، تعریف‌شده توسط دی کی چینگ^۴ و کلارک^۵ و پائوس^۶ و زبان‌های الگو، تعریف‌شده توسط الکساندر^۷ و همکاران بود. در نتیجه این پژوهش، شاخصه‌های شخصیت مایرز بریگز تفاوت‌های متمایزی در تصمیم‌های فرم طراحی (مستقیم‌بودن ورود، بازبودن فضای داخلی، ارتباط عمومی و خصوصی، گرمای رنگ و غنای بافت)، اصول نظم‌دهی (تعادل، تقارن، شبکه، برخورد هندسه‌ها، عدم تقارن، ارگانیک) و زبان‌های الگو (اتاق شخصی، مکان مخفی، ارتفاع سقف متنوع، دیوارهای نیمه‌باز، پله‌های باز، انتقال ورودی، مکان پنجره، پنجره مشرف به زندگی، جریان در اتاق‌ها، اتاق حمام، شکل فضای داخلی و سلسله‌مراتب فضاها) ایجاد کرده‌اند. در این پژوهش، برای هر یک از فاکتورهای شخصیتی مایرز بریگز، انواعی از ترجیحات طراحی بیان شد که طبق گفته پژوهندگان، توجه به تفاوت‌های شخصیتی در طراحی و ساخت می‌تواند به نفع سازندگان، توسعه‌دهندگان، طراحان و به‌ویژه کاربران فضا باشد.

میلر^۸ (2016) در مقاله‌ای، تأثیر تیپ‌های شخصیتی در رضایت شغلی افراد از پلان‌های باز فضای اداری را بررسی کرده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که مطالعات رفتار محیطی به دلیل این‌که تفاوت‌های فردی منتج از تیپ‌های شخصیتی را در نظر نمی‌گیرند، نمی‌توانند جهان‌شمول و تأثیرگذار و ماندگار باشند و توصیه کرده که مطالعات آینده با در نظر گرفتن این رویکرد، بررسی‌های متمرکزتری انجام دهند. ثقفی و طاهری سیاح (۱۳۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «معماری و MBTI، بررسی شیوه استفاده از شخصیت‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر در طراحی مسکن» با تحقیقات میدانی روی دو تیپ شخصیتی از مدل مایرز بریگز و با فرض هم‌بستگی تیپ شخصیتی و فضای مسکونی مطلوب، به بررسی تیپ‌های شخصیتی و تأثیر آن در انتخاب‌های محیطی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که این دو با هم رابطه مستقیم دارند. همچنین چگونگی این ترجیحات نیز در دو گروه بررسی شده، توضیح داده شده است.

واریتیان^۹ و همکاران (2021) در پژوهشی، ترجیحات و اولویت‌ها را براساس سه بعد روان‌شناختی شامل انسجام (سهولت برای سازمان‌دهی ادراک یک صحنه)، شیفتگی (غنای اطلاعاتی صحنه علاقه ایجادشده) و هومینس^{۱۰} (چقدر یک فضا احساس شخصی بودن می‌دهد) بررسی کرده‌اند. تیپ‌های شخصیتی بررسی شده در این مطالعه، بر مبنای سه عامل از تیپ‌های شخصیتی پنج‌عاملی (برون‌گرایی،

1. Cook & Furnham
2. Lee & Park
3. Matthews
4. D.k. Ching
5. CLARK
6. Pause
7. Alexander
8. Miller
9. Vartanian
10. Homminess

روان‌رنجوری، گشودگی به تجربه) و همچنین بخش‌هایی از تئوری و آزمون‌های خودبسنده‌گی در بین افراد عادی و همچنین مبتلایان به اختلال طیفی اوتیسم سنجیده شده است. این مفاهیم برای الگوهای رفتاری، با توجه به لباس، رفتار بازکردن پنجره، تنظیم پرده‌ها و تعامل با فن‌ها و همچنین احساس حرارتی و ترجیح حرارتی بررسی شده است. در نتیجه این پژوهش، اثبات شده است که ویژگی‌های شخصیتی برای تبیین تفاوت‌های فردی در الگوهای رفتاری، معنادار است.

دهقان تفتی و همکاران (2022) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند ترجیحات معماری را پیش‌بینی کنند: رویکرد یادگیری ماشین» با مطالعات مبتنی بر الگوی سیستماتیک چهاربعدی و رویکرد یادگیری ماشین، توانستند به این نتیجه برسند که معمارانی با تیپ‌های شخصیتی مختلف براساس مدل پنج‌عاملی شخصیت، طراحی‌های متفاوتی با اولویت‌های متفاوت و هم‌ساز با ویژگی‌های شخصیتی خود دارند.

با توجه به پیشینه موضوع، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم شخصیت افراد، فارغ از نژاد و ملیت و جنسیت، از طریق پژوهش‌های متعدد و با مطالعات میدانی اثبات شده است؛ اما مسئله پژوهش حاضر این است که با وجود مقالات ارزشمند در این حوزه، جزئی‌نگر بودن یا حتی متمرکز بودن پژوهش‌ها باعث کمتر کاربردی شدن نتایج دقیق آن‌ها شده است. برای حل این مسئله، هدف‌گذاری پژوهش براساس ایجاد یک راهنمای کل‌نگر و درعین‌حال ساده و قابل‌اجرای طراحی، با توجه به نیاز روان‌شناختی و تیپ شخصیتی کاربر است که علاوه بر راهنمایی طراح، سد راه خلاقیت و ایده‌های نوآورانه او نشود. تعدد و درهم‌تنیدگی فاکتورها، نظریه‌ها و آزمون‌های روان‌شناختی که می‌توان بررسی کرد (براساس پژوهش‌های پیشین) باعث شد که بررسی و تحلیل پایه‌ای‌ترین نظریه شخصیت‌شناسی یعنی کارکردهای شناختی کارل گوستاو یونگ انتخاب شود؛ چراکه پایه نظری تست مایرز بریگز یا همان mbti است که در بسیاری از مقالات این زمینه سنجش شده است. برای ترجمان ویژگی‌های روان‌شناختی به الفبای طراحی محیط، واسطه‌هایی لازم بود که علاوه بر اتکا به پژوهش‌های پیشین، به دلیل تعدد فاکتورهای استفاده‌شده و همچنین یکسان‌نبودن روش بیان، باید مبانی نظری طراحی فضا هم بررسی می‌شد و تطابق با مطالعات قرار می‌گرفت که به این منظور هم منابعی که اساس و اصول شکل‌گیری فضا را توضیح داده‌اند استفاده شده است. اصلی‌ترین آن‌ها عناصر سازمان‌دهی فضا توسط چینگ^۱ و عناصر معماری از صورت تا مکان توسط فون مایس^۲ می‌باشد. انتخاب پایه‌ای‌ترین نظریه روان‌شناختی شخصیت و همچنین انتخاب نظریه‌های پایه‌ای شکل‌دهی فضا علاوه بر دلایل ذکر شده، به این منظور است که بتوان از نتیجه‌های پژوهش‌های قبلی برای حصول نتیجه‌ای کلی و پایه استفاده کرد و دیگر این‌که انجام پژوهش‌های پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر بر مبنای آن امکان‌پذیر باشد.

از میان نیازهای مختلف انسان، موردی که می‌تواند در راستای هویت‌بخشی به محیط، مورد توجه طراحان باشد، محیطی متناسب با ویژگی‌های خاص انسان است که برای دستیابی به آن باید طراحی هدفمند انجام شود. در طراحی فضا و کالبد به‌طور معمول و در بهترین حالت، طراح برای این‌که خواسته‌ها و نیازهای انسانی را در طرح به کار بسته و برطرف کند، خود را به جای کاربر فضا قرار می‌دهد و به گمانش، تمام عوامل انسانی مطلوب را در طرح خود رعایت کرده است. در اینجا عوامل انسانی به معنی مجموعه‌ای از معیارهای روان‌شناختی و اجتماعی است که در ادراک و دریافت محیط ساخته شده و در نتیجه در طراحی و برنامه‌ریزی آن‌ها تأثیرگذارند (عینی فر، ۱۳۷۹)؛ غافل از این‌که طراح هم تنها ویژگی‌های یکی از هشت تیپ شخصیتی (بیان‌شده توسط یونگ) را داشته است و این نشان می‌دهد که طراح برای در نظر گرفتن ویژگی‌های انسانی محیط، باید از شخصیت هر کاربر و خصوصیات وجودی آن، که ممکن است کاملاً متضاد با شخصیت خود طراح باشد، آگاه شود. رفتار و شخصیت هر فرد، از نظر روان‌شناسی انسان را بی‌همتا و یگانه می‌سازند و همچنین از عواملی هستند که شیوه نگرش انسان به جهان را آشکار می‌کنند. این نگرش نشان می‌دهد که انسان درباره جهان چگونه فکر می‌کند و در مواجهه با آن با چه ابزاری و شیوه‌هایی رفتار

1. Ching
2. Von Meiss

می‌کند (نمازیان، ۱۳۷۹). عوامل روانی - اجتماعی تأثیرات مهمی در ادراک انسان برجای می‌گذارند؛ به همین دلیل نیز در احساس فرد از خوانش محیط مؤثرند (عزتی و عباسی، ۱۳۹۲). دلایل ذکر شده کافی است تا میزان اهمیت در نظر گرفتن تیپ شخصیتی فرد در هنگام طراحی روشن شود؛ چراکه ادراک و برداشت فرد از محیط را همین عوامل روانی و اجتماعی تعیین می‌کنند. انسان براساس تیپ شخصیتی خود، جهان‌بینی خاصی دارد و جنبه‌هایی از محیط را می‌بیند و برمی‌گزیند که در تیپ شخصیتی و جهان‌بینی او واجد ارزش یا مورد نیاز است.

نظریه شخصیت یونگ

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس و روانکاو سوئیسی، اولین کسی است که به‌طور مستقیم به مبحث تیپ‌های شخصیتی اشاره کرده است. وی معتقد است که اگر بتوان ذهنیات، زیربنای ذهنی و نگرش‌ها و برداشت‌های هر شخص را شناخت، رفتاری که در نگاه اول پیش‌بینی ناپذیر به نظر می‌آید، شناسایی و درک و پیش‌بینی می‌شود. او در سال ۱۹۱۵، برای اولین بار بحث قطبیت‌های برون‌گرا و درون‌گرا را مطرح و نظریات خود را در قالب کتاب انواع روان‌شناختی در سال ۱۹۲۱ منتشر کرد که بعدها این نظریه به نظریه «تیپ‌های هشت‌گانه یونگ» معروف می‌شود (استودن، ۱۳۹۳).

نظریه شخصیت او بر دو جهت‌گیری شخصیتی اساسی، درون‌گرایی ۱ و برون‌گرایی ۲، استوار است که از طریق آن‌ها انسان‌ها به‌طور قابل قبولی سازمان‌دهی می‌شوند. با توجه به این موضوع، فرض بر این است که عملکردها و نگرش‌های روان‌شناختی و ادراکی موجب می‌شوند که انسان از روی عادت یا به‌صورت ترجیحی خود را جهت‌دهی کند و به‌نوبه خود به درک انسان از تجربه پدیدار شناختی کمک می‌کند. یک تیپ (اعم از برون‌گرا یا درون‌گرا) زمانی وجود دارد که فردی عملکرد یکی از تمایلات شخصیتی خود را بیشتر نشان دهد. او قاطعانه بیان می‌کند که «تمایلات فردی است که تعیین می‌کند آیا فرد به این یا آن نوع تیپ تعلق دارد». درون‌گرایی معمولاً با یک ماهیت مردد، متفکر و کناره‌گیر مشخص می‌شود که خود را در خود نگه می‌دارد، از اشیا دور می‌شود، همیشه کمی در حالت تدافعی است و ترجیح می‌دهد در پشت بررسی‌های بدبینانه پنهان شود. برون‌گرایی معمولاً با طبیعتی برون‌گرا، صریح و سازگار مشخص می‌شود که به راحتی با یک موقعیت خاص سازگار می‌شود، به سرعت احساس تعلق و دل‌بستگی ایجاد می‌کند و با در نظر نگرفتن هرگونه شک و تردیدهای احتمالی، بدون دقت و توجه کافی، اغلب با اطمینان وارد موقعیت‌های ناشناخته می‌شود (Hull et al., 1990).

کارکردهای روان‌شناختی

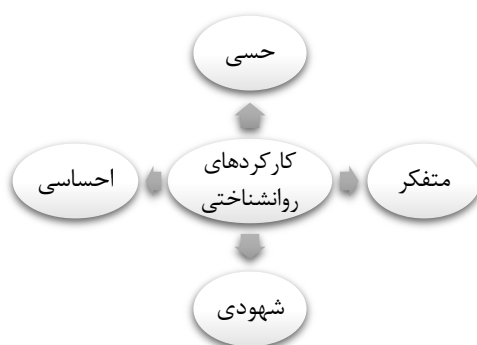
کارکردهای اساسی روان‌شناختی، یعنی کارکردهایی که واقعاً و اساساً با سایر کارکردها متفاوت است که شامل حس کردن^۳، شهود^۴، تفکر^۵ و احساس^۶ هستند (شکل ۱). علاوه بر این، هریک از این انواع ممکن است درون‌گرا یا برون‌گرا باشند (Hull et al., 1990)؛ بنابراین می‌توان هشت شخصیت متمایز بیان‌شده در جدول ۱ را بررسی کرد. حس کردن و شهود در دسته کارکردهای غیرعقلانی هستند. آن‌ها از فرایندهای عقل استفاده نمی‌کنند. تجارب را می‌پذیرند، اما آن‌ها را ارزیابی نمی‌کنند. حس کردن به‌گونه‌ای است که تجربه را از طریق حواس بازآفرینی می‌کند؛ همان‌طور که عکس، شینی را کپی می‌کند. شهود مستقیماً از محرک بیرونی ناشی نمی‌شود؛ برای مثال اگر باور داشته باشیم که فرد دیگری در اتاق تاریکی با ماست، شاید اعتقاد ما به‌جای تجربه حسی واقعی بر مبنای شهود یا شم ما باشد. تفکر و احساس کارکردهای عقلانی به‌شمار می‌آیند که قضاوت کردن و ارزیابی تجاربمان را شامل می‌شوند. آن‌ها متضاد هم هستند؛ اما هر دو به سازمان‌دادن و طبقه‌بندی کردن تجربه‌ها

1. Introversion
2. Extraversion
3. Sensation
4. Intuition
5. Thinking
6. Feeling

مرتبط‌اند. تفکر، قضاوت هشیار را درباره این که آیا تجربه‌ای صحیح است یا غلط شامل می‌شود. همچنین نوع ارزیابی که کارکرد احساس انجام می‌دهد براساس دوست داشتن یا دوست نداشتن، خوشایندی یا ناخوشایندی، تحریک یا بی‌حوصلگی بیان می‌شود. انسان قابلیت‌های هر چهار کارکرد را داراست؛ اما فقط یک کارکرد بر شخصیت او تسلط دارد و کارکردهای دیگر در ناهشیار شخصی پنهان‌اند.

جدول ۱: انواع شخصیت یونگ (منبع: Hull et al., 1990)

برونگرا	درون‌گرا	
برون‌گرا متفکر	درون‌گرا متفکر	عقلانی
برون‌گرا احساسی	درون‌گرا احساسی	
برون‌گرا حسی	درون‌گرا حسی	غیرعقلانی
برون‌گرا شهودی	درون‌گرا شهودی	



شکل ۱: چهار کارکرد روان‌شناختی یونگ (منبع: Hull et al., 1990)

هریک از تیپ‌های شخصیتی دارای معنا و خصوصیات مختص به خودند و همگی در ارزشمندی جایگاه یکسانی دارند؛ بهتر یا بدتر، سالم‌تر یا بیمارتر، باهوش‌تر یا کندذهن‌تر بودن در میان این تیپ‌های هشتگانه مطرح نیست. نمی‌توان موفقیت اشخاص را از روی تیپ شخصیتی پیش‌بینی کرد و ارتباطی با هوش هم ندارد؛ اما با شناخت و تشخیص تیپ شخصیتی افراد می‌توان متوجه شد که چه عواملی به آن‌ها انگیزه می‌دهند و طراح برای تدارک و طراحی فضای زندگی و فعالیت آن‌ها، می‌تواند از این عوامل کمک بگیرد (ثقفی و طاهری سیاح، ۱۳۹۶)؛ زیرا طبق مطالعاتی که درباره رابطه انسان، رفتارهایش و فضای کالبدی که نظریه‌پردازان معماری، هیلیر^۱ و هانسون^۲ مطرح کرده‌اند، کیفیات فضایی محیط، نقش مهمی در نحوه زندگی کاربران ایفا می‌کند (دانشگر و همکاران، ۱۳۹۰) و انسان، بسته به ویژگی‌های شخصیتی خود، محیطش را ایجاد می‌کند.

رابطه انسان و محیط

محیط مفهومی پیچیده و مرکب است که ابعاد گوناگون و متفاوتی دارد. داده‌های فضایی، جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی و زیستی از جمله ابعاد مهم محیط به حساب می‌آیند (مرتضوی، ۱۳۸۰). همچنین بنابر عقیده برخی از روان‌شناسان، ویژگی‌های محیط ساخته‌شده، که مستقیماً بر سلامت روان اثرگذارند، از جمله کیفیت هوا و میزان نور و غیره، که این موارد علاوه بر تأثیرات مستقیم تغییراتی در روند روانی - اجتماعی، که تبعات شناخته‌شده روان‌شناختی دارند، ایجاد می‌کنند (طباطبائیان و تمنایی، ۱۳۹۲). امروزه در

1. Bill Hillie
2. Julianne Hanson

بهترین حالت، طراحی محیط براساس و برای انسان و زندگی روزمره او انجام می‌شود؛ غافل از این که ارتباط میان انسان و محیط، نحوه برقراری این ارتباط و تأثیر و تأثرات متقابل میان آن‌ها اهمیت دوچندان دارد. بنابراین در روند طراحی محیط، باید حلقه گمشده «ارتباط بین انسان و محیط» را، هم‌زمان با انسان و نیازهای او و همچنین ملزومات طراحی محیط در نظر گرفت (بزرگ و پاکزاد، ۱۳۹۳). رابطه انسان و محیط دوسویه است. هر دو به‌نوعی در هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند (آلتمن، ۱۳۹۵). تأثیرگذاری و تأثیرپذیری انسان و محیط را می‌توان این‌گونه توضیح داد که محیط پیرامون انسان سرشار از اطلاعات بالقوه (واقعیت) است. از محوری‌ترین مبانی حوزه روان‌شناسی محیط می‌توان به ادراک انسان از محیط اشاره کرد که فرایند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان است (لنگ، ۱۳۹۴). انسان در ابتدا براساس توانایی‌های جسمی و روانی خاص خود، بخشی از واقعیت محیط را به‌صورت یک عینیت (اطلاعات بالفعل) ادراک می‌کند. سپس قضاوت‌هایی را متناسب با ادراک خود سازمان‌دهی می‌کند و براساس آن‌ها، ذهنیتی از محیط پیرامونی برای خود می‌سازد. این ذهنیت‌ها عوامل پایه‌ای و مؤثر در رفتار انسان هستند؛ به‌طوری‌که براساس آن‌ها زندگی و رفتار می‌کنند و حتی موجب تغییر در محیط نیز می‌شوند. محیط تغییر یافته جدید مجدداً به‌عنوان یک عینیت در فرایندهای ذهنی انسان وارد شده و در رفتار انسان مؤثر واقع می‌شود و این چرخه دائم ادامه می‌یابد. در این میان، گاه انسان خودش را با ویژگی‌های محیط هماهنگ می‌کند و گاه محیط پیرامونش را براساس ذهنیاتی که پیش از این از آن ساخته است تغییر می‌دهد. گاه محیط به‌منزله جهت‌دهنده رفتار را تغییر می‌دهد و گاه رفتار انسان محیط را. این تأثیر و تأثرات به‌صورت مداوم و مستمر ادامه خواهد داشت. گفتنی است ادراک انسان در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد؛ زیرا منبع تمام مطالعات محیطی است (اندرو و تی، ۱۳۹۲).

برای ارائه راهکارهای محیطی در این پژوهش نیز در مسیر پیوند میان مطالعات روان‌شناسی انسان و علم طراحی قدم برداشته شده است. رویکرد مطالعات در این پژوهش، ترکیب توأمان رویکرد رفتاری و شناختی است؛ زیرا با ترکیب این دو رویکرد، جامعیت بیشتری در مطالعات و حصول نتیجه به‌دست خواهد آمد. دیدگاه رفتاری در پی بررسی رفتار انسان‌ها و پیدا کردن عوامل مؤثر در این رفتارهاست. براین اساس، برای بررسی رفتار در این دیدگاه با چهار مفهوم کلیدی سروکار داریم که عبارت‌اند از محرک، انگیزه، پاسخ و تقویت. دیدگاه شناختی بیانگر اثر مهم ذهن و فرایندهای ذهنی بر رفتار است. این دیدگاه واکنشی در برابر محدودیت‌های رویکرد رفتارگرایانه در بررسی و تبیین رفتار انسان است. به‌عبارت‌دیگر، رویکرد شناختی رفتار هر فرد را بسته به فرایندها و تصاویر ذهنی وی منحصر به فرد می‌داند. بنابراین معتقد است رفتارها را نه براساس محرک‌ها، بلکه براساس فرایندهای ذهنی زیربنایی آن‌ها باید تقسیم کرد (بزرگ و پاکزاد، ۱۳۹۳).

براساس مطالعات انجام‌شده، در این پژوهش این پیش‌فرض وجود دارد که انسان بسته به ذهنیت‌ها و ادراکش، به برخی از فضاها، محرک‌ها و رویدادها معنی می‌بخشد و متناسب با آن‌ها در راستای رفع نیازهای خود رفتار می‌کند. شناخت، توصیف و تبیین رفتار و ذهنیات انسان، به درک رابطه محیط و انسان کمک شایانی می‌کند و باعث می‌شود براساس آن‌ها راهکارهایی به‌منظور خلق محیط‌های شخصی‌سازی‌شده، که موجب آرامش و رضایت خاطر هر انسان با هر ذهنیت و شخصیتی می‌شود، ارائه کرد.

قلمرو و مسکن

انسان نیاز دارد در عین ارتباط با دیگران، فضای اختصاصی متناسب با خود را داشته باشد؛ به‌طوری‌که عامل تعیین‌کننده شاخص و مهم در رفتار روزمره او، چگونگی استفاده از فضا برای برقراری ارتباط با دیگران باشد. چگونگی استفاده انسان از محیط فیزیکی اطرافش در برقراری روابط اجتماعی موضوع تحقیق افراد بسیاری، از جمله ایروین آلتمن^۱ قرار گرفته است. او در کتاب محیط و رفتار اجتماعی، مناسبات محیط فیزیکی و روابط اجتماعی انسان را به چهار مفهوم اصلی در رفتارهای فضایی ما یعنی «خلوت»، «فضای شخصی»، «قلمرو» و «ازدحام» مرتبط دانسته

۱. Irwin Altman: روان‌شناس اجتماعی

است. او با رویکردی اجتماعی- روان‌شناختی، چگونگی «تعامل رودرروی» افراد و تأثیر محیط فیزیکی در این نوع تعامل و همچنین چگونگی بهره‌برداری ما از محیط فیزیکی خود، به منظور برقراری تعامل را بررسی می‌کند (بزرگ و پاکزاد، ۱۳۹۳).

انسان هر لحظه در تعامل با محیط پیرامون خود قرار دارد. در جریان این تعامل، نسبت به فضاهای مختلف احساس‌های گوناگونی پیدا می‌کند. برخی از فضاها را از آن خود می‌داند و سعی دارد ورود سایر افراد به آن را کنترل کند. برخی دیگر از فضاها را عمومی می‌بیند و حق کنترل آن را به خود نمی‌دهد. در تعریف آلتمن، فضاهایی که انسان تحت کنترل خود درمی‌آورد قلمرو او محسوب می‌شوند. قلمرو برای انسان‌ها علاوه بر این‌که مفهومی مکانی است، محصول ساخته‌ها و انگاره‌های ذهنی نیز هست (لینچ، ۱۳۹۵)؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که قلمرو علاوه بر نقشی اساسی که در زندگی انسان دارد امکان سامان‌دهی کردن فضای اطراف خود را برای وی فراهم می‌کند و همچنین به انسان اجازه می‌دهد بر اساس ویژگی‌های شخصیتی فردی یا جمعی به آن هویت بخشد. به بیانی دیگر، انسان در کندوکاو برای قلمروسازی با تغییر محیط و شخصی‌سازی آن، تأثیر بسزایی در ایجاد حس هویت در مکان سکونت خود دارد (Roberts & Russel, 2002). در یک دسته‌بندی کامل، جان لنگ^۱ چهار ویژگی قلمروی مکانی را بیان می‌کند که شامل احساس مالکیت و حق نسبت به مکان؛ شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری مکان؛ حق دفاع در مقابل مزاحمت؛ و در نهایت تأمین امکاناتی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جسمانی تا نیازهای شناختی و زیباشناختی می‌شود (لنگ، ۱۳۹۴)؛ اما قلمرو انواع گوناگونی دارد. مدت‌زمان استفاده از هر قلمرو، یکی از مهم‌ترین معیارها برای گونه‌شناسی قلمروهاست. بر این اساس، می‌توان قلمرو را در دو دسته قلمروهای موقت و قلمروهای دائمی بیان کرد. قلمروهای موقت مبین تصاحب و کنترل موقت یک قرارگاه رفتاری در مقابل مکان‌های رفتاری دائمی هستند. در اکثر مواقع، انسان قلمروهای فضایی موقت را شخصی‌سازی نمی‌کند (بزرگ و پاکزاد، ۱۳۹۳).

سکونت از ریشه‌ی «سُکن» به معنی «آرام» و «قرار» است. به واسطه‌ی زبان فارسی، سکونت، مفهومی دوگانه به ذهن متبادر می‌سازد. از تعامل با محیط به انسان آرامش و قرار می‌دهد که می‌توان آن را سکونت نامید. از طرفی مسکن ظرفی برای سکونت است. کوپر معتقد است که ما در خانه به منزله مکانی برای زندگی، ناآگاهانه باورها، عقاید و احساساتمان را متجلی می‌سازیم. او اذعان دارد که خانه نمادی از خود است و همچنین خانه متشکل از دو جزء بسیار متفاوت است که شامل فضای داخلی (تشکیل شده از فضای خصوصی و محصور درونی است) و صورت خارجی (تشکیل شده فضای عمومی و باز بیرونی) است. وی در این باره می‌گوید: «خانه ممکن است به دو صورت دیده شود: اولی تجلی آشکاری از خود است که در این حالت پیام‌های روانی از خود به سوی نماد عینی خود جاری می‌شوند و دوم به صورت کشف و شهود ماهیت خود است که در این حالت، پیام‌ها از نماد عینی به جانب خود بازمی‌گردند» (کوپر و همکاران، ۱۳۸۸).

اولین محیطی که هر انسان در آن، قلمرو شخصی خویش را متجلی و شخصی‌سازی می‌کند مسکن است. از آنجاکه تنوع شخصیتی در نظام سکونت غالب در کشور ما یعنی خانواده، تشخیص نیازهای هم‌پوشان یا غیرهم‌پوشان و گاهی متضاد ساکنان آتی مسکن در حال طراحی و ساخت را دشوار می‌سازد، انتخاب بخشی از مسکن، که امکان استقلال فردی، خودمختاری، آزادی انتخاب و احساس کنترل را در انسان پدید آورد، مدنظر نگارندگان پژوهش حاضر است. این ویژگی‌ها در قلمرو شخصی انسان در مسکن متجلی می‌شود که مقیاس و نوع فضای آن بر اساس تعداد افراد ساکن، متفاوت است. اساساً انسان‌ها برای مشخص کردن قلمرو خود اقداماتی انجام می‌دهند؛ از جمله نشانه‌گذاری، یکپارچگی و هم‌سانی اشیای یک مکان که موجب احساس مالکیت بر آن مکان می‌شود. به این اقدامات شخصی‌سازی و به آن محیط، شخصی‌سازی شده می‌گویند. شخصی‌سازی مفهومی است که زمینه را برای پیشروی طراحی‌ها به سوی انعطاف‌پذیری بیشتر فراهم می‌کند؛ چراکه با این اتفاق افراد هنگام استفاده از مکان، آن را طبق شخصیت و نیازهای روان‌شناختی خود، شخصی‌سازی خواهند کرد (لنگ، ۱۳۹۴).
 باین‌همه به دلیل مشکلات موجود در شهرهای بزرگ و نیازها و محدودیت‌های خاص خانه‌های امروزی، از گسترش مجموعه‌های از پیش طراحی شده گریزی نبوده و طراحی هرچه نزدیک‌تر به نیازهای انسانی ضرورت یافته است. در این راستا، هدف از پژوهش حاضر این

1. Jon T Lang

است که با بررسی انواع شخصیت‌های روان‌شناختی و ارائه راهکارهای محیطی منطبق با نیازهای آن‌ها، به طراح کمک کند بخشی از این شخصی سازی قبل از استفاده، طبق نظر کارشناسان طراح و هماهنگ با دیگر اجزای سیستم طراحی صورت گیرد.

بررسی هایی که در مورد ویژگی های فضایی قلمرو شخصی هر فرد، متناسب با ذهنیت های او و خواسته های رفاهی توأمان ذهنی و جسمی فرد، به عنوان مسئله ای مهم و در چهارچوب یک موضوع علمی، تجزیه و تحلیل شده است، خیلی پراکنده و متمرکز است؛ به صورتی که طراح برای متوجه شدن نتایج نهایی باید پژوهش های بی شماری را از نظر بگذراند و حتی اگر این کار را انجام دهد، درگیر مسئله تفاوت و تعدد نظریه های روان شناسی بررسی شده در این مطالعات می شود. در پژوهش حاضر، برای تدقیق بیشتر در حصول نتیجه، قلمروی شخصی در مسکن برای ارائه راهکار محیطی برگزیده شده است. در ادامه با مطالعات اسنادی و نتیجه گیری براساس استدلال منطقی، راهکارهایی برای طراحی فضایی ارائه شده است که با توجه به تیپ شخصیتی هر فرد و در جهت شخصی سازی قلمرو فردی در مسکن براساس ویژگی های شخصیتی فرد بوده، فارغ از توجه به تأثیر ویژگی های شخصیتی دیگر افراد ساکن یا تأثیر متغیرهای دیگری مانند فرهنگ و غیره. تلاش های این پژوهش در راستای نزدیک کردن هرچه بیشتر قلمروی مکانی هر فرد به فضایی است که با ویژگی چهارم یعنی «پاسخ گویی به نیازهای جسمانی تا نیازهای شناختی و زیباشناختی» تطابق داشته باشد.

نیاز محیطی تیپ‌های شخصیتی یونگ در قلمرو شخصی

انسان‌ها موجوداتی پیچیده و گوناگون‌اند؛ چراکه انگیزش‌های مادی، روحی و معنوی متفاوتی دارند. انگیزش نیرویی است که هدایت‌کننده و سازمان‌دهنده ادراک، شناخت یا رفتار هدفمند آدمی است. انگیزش‌های روانی را می‌توان برآمده از شخصیت فرد دانست. رفتارها در راستای پاسخ به نیازهای این شخصیت‌های انسانی شکل می‌گیرند؛ بنابراین تبیین نظریه طراحی معماری محیط، براساس مفاهیم نیازهای انسانی، امری ضروری است؛ زیرا محیطی که در آن زندگی می‌کنیم امکانات حرکت ما را مشخص می‌کند. محیط فقط در صورتی بامعنا می‌شود که در راستای هویت و ویژگی‌های انسانی امکانات غنی به ما ارزانی کند و این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی دهد که با آن، محتوای لازم را دارا شوند (شولتز و نوربرگ، ۱۳۹۵).

اولین گام در ارائه راهکارهای محیطی معماری به‌ازای هر شخصیت، شناخت نیازهای فردی آن‌هاست که در راستای آن، بتوان راهبردهای مطلوبی را که از محیط به‌منظور شخصی سازی فضا انتظار می‌رود تشریح کرد؛ بنابراین براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ در هر دسته درون‌گرا و برون‌گرا، نیازهای محیطی آن شخصیت استخراج شده و هر یک در جدول‌های ۲ و ۳ قرار گرفته است. برای نمونه، در دسته تیپ‌های شخصیتی درون‌گرا، با توجه به مبانی روان‌شناختی، انسان‌های درون‌گرای متفکر با دیگران خوب کنار نمی‌آیند، در انتقال دادن عقاید مشکل دارند و به‌جای احساسات بر افکار تمرکز دارند و قضاوت عملی آن‌ها ضعیف است. آن‌ها افرادی یک‌دنده، متکبر و بی‌ملاحظه و نامتعارف در جامعه‌اند. این ویژگی‌های شخصیتی موجب خلوت‌گزینی، نپذیرفتن تغییرات محیطی و تماس حداقلی آنان با محیط پیرامونی شان می‌شود (شولتز و شولتز، ۱۴۰۲).

جدول ۲: استخراج نیازهای محیطی از کارکردهای شخصیتی درون‌گرا (منبع: شولتز و شولتز، ۱۴۰۲)

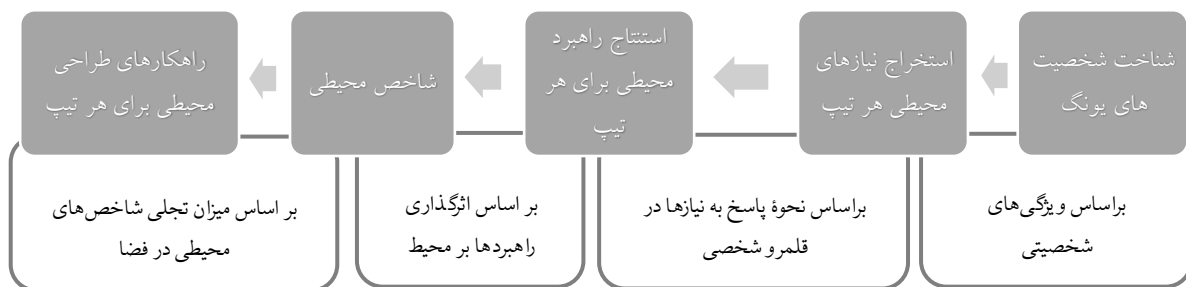
کارکردهای شخصیتی	ویژگی‌ها شخصیتی	نیاز محیطی
متفکر	متعصب و یک‌دنده	نپذیرفتن تغییرات محیطی
	نپذیرفتن جامعه	خلوت‌گزینی
احساسی	نامتعارف در اجتماع	تماس‌های حداقلی با حقایق پیرامون جهان
	اهمیت کمتر به احساسات دیگران	توجه مضاعف به احساسات و هیجانات خود
	بروزندادن هیجانات در جمع	بروز هیجانات در محیط‌های شخصی
	آرام و منفعل	تمرکز بر احساسات درونی
حسی	منفعل و آرام	القای سکون
	اهمیت به تجارب ذهنی و درونی	اجتماع‌گریز
	خشک و جدای از دنیای روزمره	نپذیرفتن تغییرات محیطی
	تشخیص‌ندادن واقعیت از خیال	تخیل محیطی
شهودی	سیر در تخیلات	نیاز به کشف و شهود معناهای پنهان
	کناره‌گیر	خلوت‌گزینی
	عجیب‌غریب و نامتعارف	تماس‌های حداقلی با واقعیت‌های پیرامون

جدول ۳: استخراج نیازهای محیطی از کارکردهای شخصیتی برون‌گرا (منبع: شولتز و شولتز، ۱۴۰۲)

کارکردهای شخصیتی	ویژگی‌ها شخصیتی	نیاز محیطی
متفکر	اغلب خشک و سرد و دوستانه‌نظم	افراط‌گرایی در نظم محیطی
	متعصب	نپذیرفتن تغییرات محیطی
	متمرکز، غلبه منطق و افکار عقلانی	تفکر محیطی
احساسی	دارای زندگی واقع‌بینانه	درک جهان پیرامونی
	حساس به ارزش‌های اجتماعی متداول	سازگاری با اجتماع
	سازگار با محیط پیرامون	پذیرش تغییرات محیطی
	دارای رابطه و معاشرت	نیاز به تقویت ارتباطات
حسی	عاطفی و دارای هیجانات و تب‌وتاب	نیاز به بروز هیجانات درونی
	معاشرتی	نیاز به تقویت معاشرت گروهی
	عمل‌گرا	نیاز به کشف و تجربه
	سازش‌پذیر	پذیرش تغییرات محیطی
شهودی	لذت‌جو	نیاز به تقویت و درک حس‌های تجربی و بروز هیجانات
	خلاقیت و علاقه به پدیده‌های جدید	استقبال از پدیده‌های جدید و خارق‌العاده
	سازش‌پذیر	پذیرش تغییرات محیطی
	تصمیم‌گیری براساس ششم شخصی	خیال‌انگیزی فضا

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است. با توجه به هدف اصلی مقاله، که شناخت و تحلیل رابطه دوسویه بین محیط و انسان و تأثیر رفتار و روان انسان در کیفیت محیط با توجه نظریه‌های شخصیت یونگ بوده است، همچنین با توجه به مطالعات فراوانی که درباره رابطه مستقیم طراحی معماری و نظریه‌های شخصیت وجود دارد، در این مقاله سعی شده این رابطه با روش کیفی و با تکیه بر مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای موجود، که در راستای تهیه راهنمای طراحی جامع در این زمینه است، تحلیل و توصیف شود. در ابتدا به بررسی نظریه تیپ‌های شخصیتی یونگ پرداخته شده است. سپس با نگاهی بر مفهوم قلمرو، خلوت‌گزینی و فضای شخصی سازی شده، به تحلیل نیازهای فرد از جمله نیازهای محیطی براساس ویژگی‌های روان‌شناختی، که یکی از موارد انگیزشی برای شخصی سازی فضای قلمرو فردی در مسکن محسوب می‌شود، پرداخته شده است. در این پژوهش، براساس نظریه یونگ، فرض بر آن است که چهار کارکرد روان وجود دارد: حس کردن، شهود، تفکر و احساس؛ بنابراین به منظور شناخت دقیق‌تر شخصیت و محیط کالبدی مفید در رشد و پاسخ‌گویی به نیازهای هر شخصیت، تیپ درون‌گرا و برون‌گرا هر شخصیت، به طور مجزا بررسی می‌شود. به منظور تبیین ویژگی‌های محیط کالبدی در هر یک از تیپ‌های شخصیت، براساس شکل ۲، پس از شناخت ویژگی‌های شخصیت، نخست نیازهای محیطی و سپس راهبردها و رفتار مطلوبی که از محیط انتظار می‌رود تشریح می‌شود. در مرحله بعد، شاخص‌های محیط کالبدی یا به عبارت دیگر، کلیت‌های فضایی برای هر شخصیت، با توجه به ویژگی‌هایش، بیان می‌شود. این پژوهش در راستای بیان الگوی طراحی با هدف پاسخ‌گویی به قلمرو هر تیپ شخصیتی است و راهکارهای طراحی محیطی برای هر تیپ به طور مجزا ارائه می‌شود. گزاره‌های حاصل از این پژوهش را می‌توان در پژوهش دیگری برای محیط‌های دیگر در راستای وجود چند شخصیت در یک محیط نیز آزمود.



شکل ۲: فلوجارت روند پژوهش

بحث

بیان تفسیر محیطی برای هر تیپ شخصیت

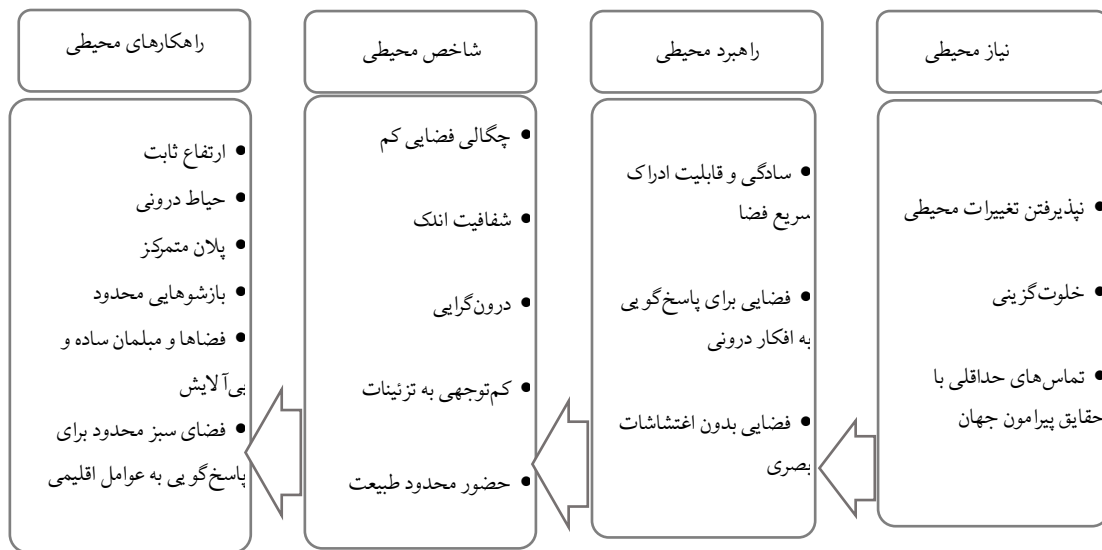
پس از بررسی رفتارها و نیازهای شکل دهنده آن‌ها و نتایج به دست آمده از تحلیل هر شخصیت، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی افراد و مطالعات پیشین، هر نیاز محیطی راهبردهای محیطی را نتیجه می‌دهد که براساس بررسی هر راهبرد و توجه به مبانی طراحی محیط (شامل چگالی فضا، ژرفای فضا، بازشوهای فضا، هم‌جواری و نفوذ فضاها، هندسه پلان و آرایش فضاها، نور و رنگ و سایه، تزئینات، حضور طبیعت، کیفیات فضایی و...) حصول شاخصه محیطی مربوط به هر نیاز میسر می‌شود و براساس آن نیز راهکارها و نمودهای محیطی برداشت می‌شوند. جزئیات این روند در کنار توضیحات مربوط به هر تیپ با توجه به منابع مطالعاتی و پژوهش‌های پیشین در قالب نمودارهای ۱ تا ۸ به صورت تفکیکی نمایش داده شده است. در توضیح چستی مراحل رسیدن به راهکارهای محیطی، باید گفت که «نیاز محیطی» به صورت مستقیم از ویژگی‌های روان‌شناختی هر تیپ شخصیتی برداشت شده است و ماهیتاً از جنس روان‌شناختی است. مرحله بعدی «راهبرد محیطی» از نیازهای محیطی

سرچشمه گرفته است؛ ولی نوعی از بیان محیط در قالب ویژگی‌های روان‌شناختی مرتفع‌کننده نیازهای محیطی است و راهنمای مناسبی برای روند رسیدن به ترجمان کالبدی ویژگی‌ها روان‌شناختی مطروحه است. ترجمان ذکرشده در مرحله بعدی یعنی «شاخص محیطی» به منصفه ظهور رسیده است. بنابر نتایج به‌دست آمده در این مرحله و همچنین تطبیق آن با مبانی طراحی معماری، پژوهندگان به «راهکارهای محیطی» دست یافته‌اند که ویژگی‌هایی مشخصاً از جنس طراحی کالبدی است و برای طراحی که قصد دارند فضاهایی متناسب با تیپ‌های شخصیتی کاربر طراحی کنند، پیش‌زمینه مناسبی را فراهم می‌کند.

تیپ شخصیتی متفکر

درون‌گرا

با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده از این شخصیت و نیازهایی که از آن‌ها استخراج شد، این گروه از افراد خلوت‌گزين هستند؛ از این رو به فضایی برای پاسخ‌گویی به افکار درونی خود نیاز دارند که چنین فضاهایی در معماری، درون‌گرا خوانده می‌شوند. راهکارهای محیطی برای خلق فضاهایی با این ویژگی، شامل پلان متمرکز، حیاط درونی، شفافیت اندک و غیره است. نپذیرفتن تغییرات محیطی در این گروه، باعث می‌شود فضاهایی را ترجیح دهند که دارای سادگی و قابلیت ادراک سریع باشد و این مهم با عدم تباین فضایی که راهکارهایی مانند ارتفاع ثابت و پلان متمرکز با آن سازگار است محقق می‌شود. همچنین تمایل کمتری به روبه‌روشدن با واقعیات جهان پیرامونی دارند و این سبب می‌شود فضایی با حداقل اغتشاشات بصری طلب کنند که با راهبردهایی مانند کم‌توجهی به تزئینات و حضور حداقلی طبیعت سازگار است (شکل ۳).



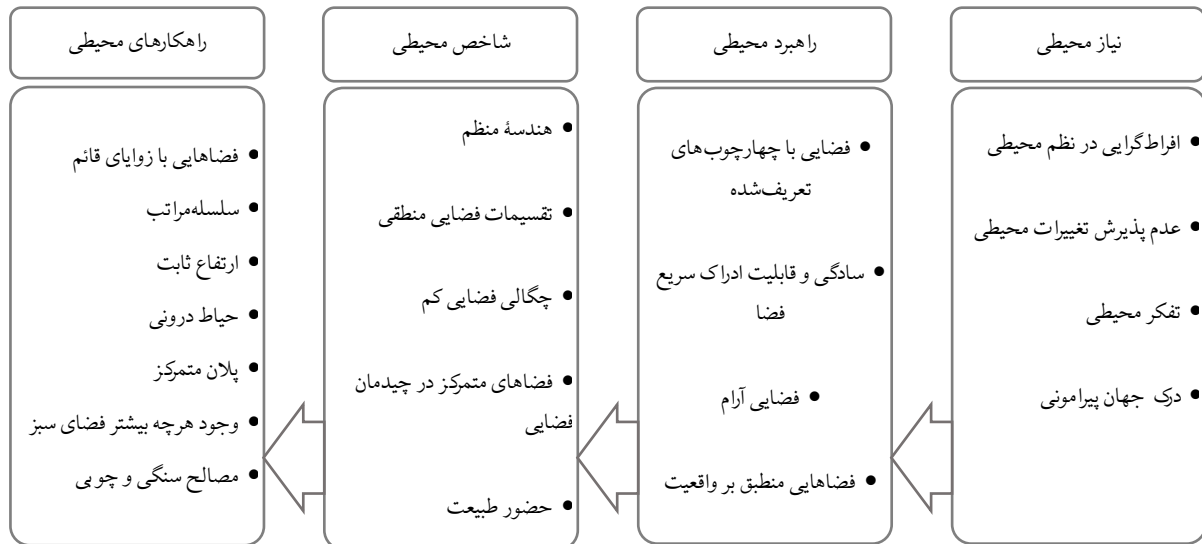
شکل ۳. روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت متفکر درون‌گرا

برون‌گرا

این گروه از افراد به علت افراط‌گرایی در نظم محیطی، فضایی با چهارچوب‌های تعیین‌شده و به‌تبع آن، هندسه منظم و تقسیمات فضایی منطقی را ترجیح می‌دهند. این ویژگی‌ها با راهکارهایی همچون فضاهایی با زوایای قائم، پلان متمرکز و سلسله‌مراتب مشخص محقق خواهند شد. نپذیرفتن تغییرات محیطی در این گروه، باعث می‌شود فضاهایی را طلب کنند که دارای سادگی و قابلیت ادراک سریع باشد و این مهم با عدم تباین فضایی که راهکارهایی مانند ارتفاع ثابت و پلان متمرکز با آن سازگار است امکان‌پذیر می‌شود. نیاز این افراد به تفکر محیطی فضایی آرام

ظریف فیروز عسگری و همکاران / تحلیلی بر ویژگی‌های قلمرو شخصی در مسکن براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ

می‌طلبد و فضاهایی متمرکز در چیدمان فضایی این نیاز را برطرف می‌کند. این راهبرد با راهکارهایی همچون حیاط درونی، پلان متمرکز و فضاهایی با زوایای قائم سازگار است. درنهایت به علت هم برون‌گرا و هم متفکر بودن، این شخصیت به درک بیشتر جهان پیرامونی نیاز دارد و فضاهایی که انطباق بیشتری با محیط پیرامون داشته باشند برای آن‌ها مناسب‌تر است؛ بنابراین حضور طبیعت در طراحی با راهکارهایی همچون وجود هرچه بیشتر فضای سبز و استفاده از مصالح طبیعی، فضای مناسب‌تری برای این گروه از افراد فراهم خواهد کرد (شکل ۴).

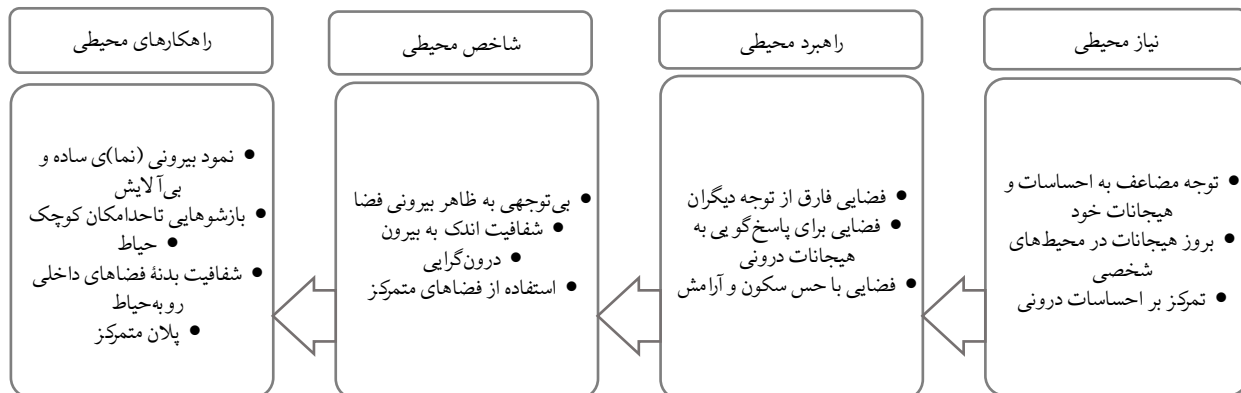


شکل ۴: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت متفکر برون‌گرا

تیپ شخصیتی احساسی درون‌گرا

با بررسی ویژگی‌های بیان‌شده از این شخصیت، این گروه از افراد نیازمند توجه مضاعف به احساسات و هیجانات خود بوده و فضاهایی فارغ از توجه دیگران را ترجیح می‌دهند؛ بنابراین به‌ظاهر بیرونی فضا بی‌توجه‌اند و راهکارهایی مانند نمود بیرونی ساده و بی‌آلایش و بازشوهای تاحداً مکان کوچک برای آن‌ها مناسب است.

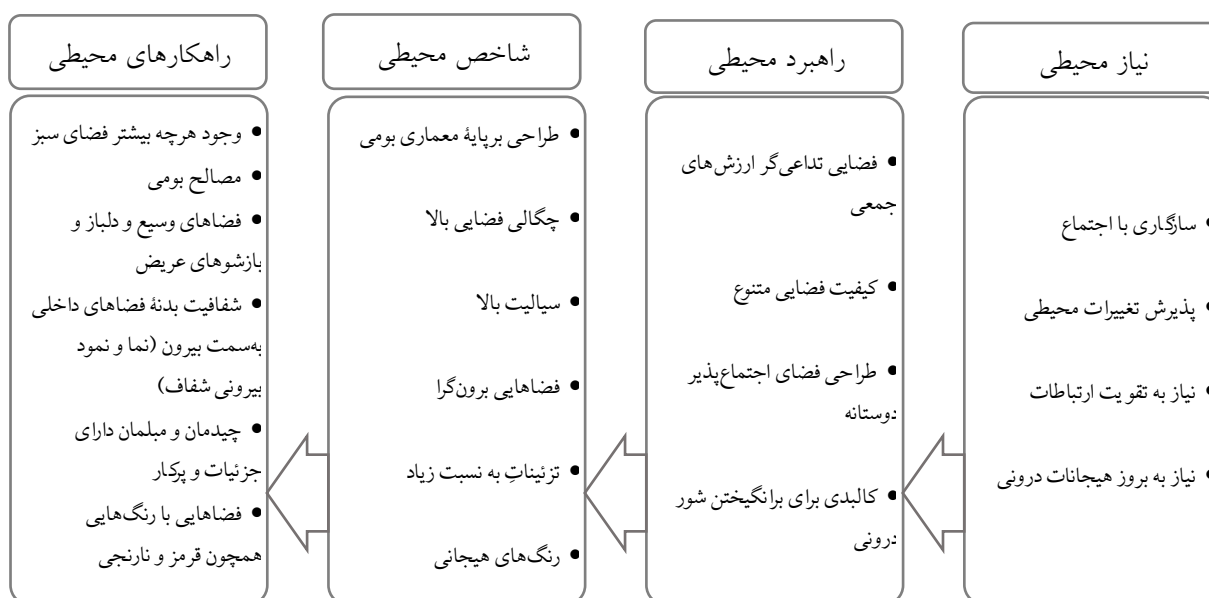
بروز هیجانات آن‌ها، که به‌دلیل درون‌گرایی فقط در محیط‌های شخصی امکان‌پذیر است، فضاهایی درون‌گرا و با شفافیت اندک به بیرون می‌طلبند. تمرکز بر احساسات درونی در این افراد سبب ترجیح فضایی با حس سکون و آرامش می‌شود که با راهبردی مانند استفاده از فضاهای متمرکز امکان‌پذیر است. راهکارهای پیشنهادی تمام شاخص‌های مذکور در شکل ۵ آمده است.



شکل ۵: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت احساسی درون‌گرا

برون‌گرا

افراد برون‌گرای احساسی به دلیل سازگاری با اجتماع و نیاز به تقویت ارتباطات جمعی خود، مطالبه‌گر فضاهایی اجتماعی‌پذیر و دوستانه و همچنین فضاهایی برای تداوم ارزش‌های جمعی هستند که شاخص محیطی آن‌ها طراحی برون‌گرا به همراه تفکر بومی است. پذیرش تغییرات محیطی در این گروه از افراد، سیالیت محیطی و تبیین فضایی را به دنبال دارد. این افراد به بروز هیجانات درونی نیاز دارند که موجب می‌شود فضای شخصی خود را برای برانگیختن شور درونی، با تزئینات به نسبت زیاد و رنگ‌های هیجانی در نظر بگیرند. در شکل ۶، تمامی راهکارهای پیشنهادی مناسب این نیازها در قالب نمودار روند رسیدن به نتیجه، آورده شده‌اند.

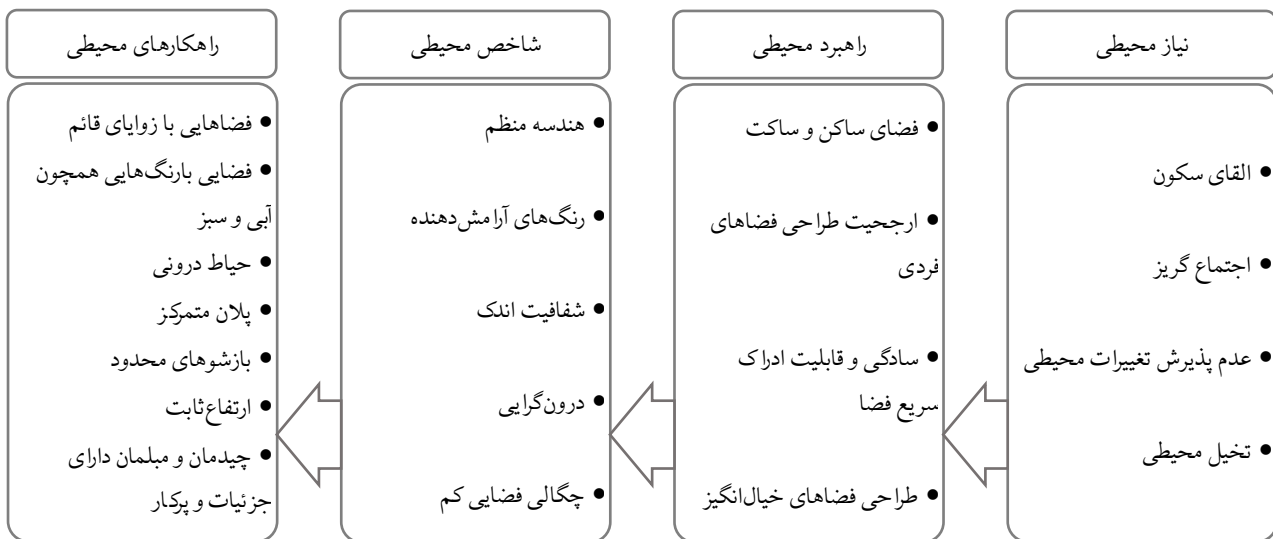


شکل ۶: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت احساسی برون‌گرا

تیپ شخصیتی حسی

درون‌گرا

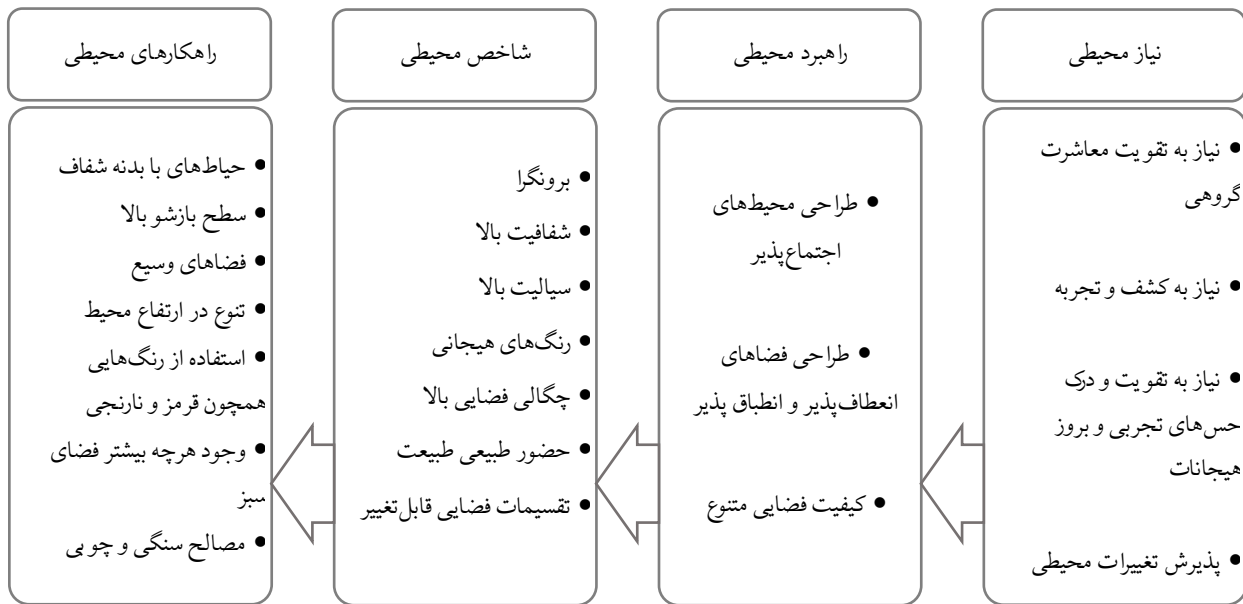
این تیپ شخصیتی به دلیل نیاز به سکوت و خلوت (اجتماع‌گریزی)، به فضاهای شخصی و فردی بیشتر اهمیت می‌دهند و همچنین به فضاهای ساکن و ساکت متمایل‌اند. هندسه منظم، رنگ‌های آرامش‌دهنده و درون‌گرایی می‌تواند پاسخ‌گوی این دسته از نیازهای محیطی باشند. عدم پذیرش تغییرات محیطی در این گروه، باعث می‌شود فضاهایی را ترجیح دهند که دارای سادگی و قابلیت ادراک سریع باشد و این مهم با عدم تباین فضایی که راهکارهایی مانند ارتفاع ثابت و پلان متمرکز با آن سازگار است، محقق می‌شود. درنهایت نیاز به تخیل محیطی در این افراد، علت خوبی برای طراحی فضاهای خیال‌انگیز با توجه بیشتر به تزئینات فضایی است. راهکارهای محیطی هریک از این شاخص‌ها در شکل ۷ بیان شده‌اند.



شکل ۷: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت حسی درون‌گرا

برون‌گرا

این تیپ شخصیتی به تقویت معاشرت گروهی نیازمندند و به تبع آن طالب محیط‌های اجتماع‌پذیرند؛ بنابراین فضایی برون‌گرا با شفافیت زیاد و رنگ‌های هیجانی شاخص‌هایی محیطی هستند که می‌توانند پاسخ‌گوی این نیاز باشند. نیاز به کشف و تجربه و نیاز به تقویت و درک حس‌های تجربی و بروز هیجانات در این افراد، علت اصلی ترجیح به طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیرند که با سیالیت بالای فضایی و تقسیمات فضایی متغییر و همچنین حضور طبیعی طبیعت امکان‌پذیر است. پذیرش تغییرات محیطی از سوی این تیپ نیز عاملی برای کیفیت فضایی متنوع در قلمرو شخصی این افراد است که با تباین فضایی محقق می‌شود. راهکارهای مربوط به شاخص‌های محیطی مذکور در شکل ۸ آورده شده است.



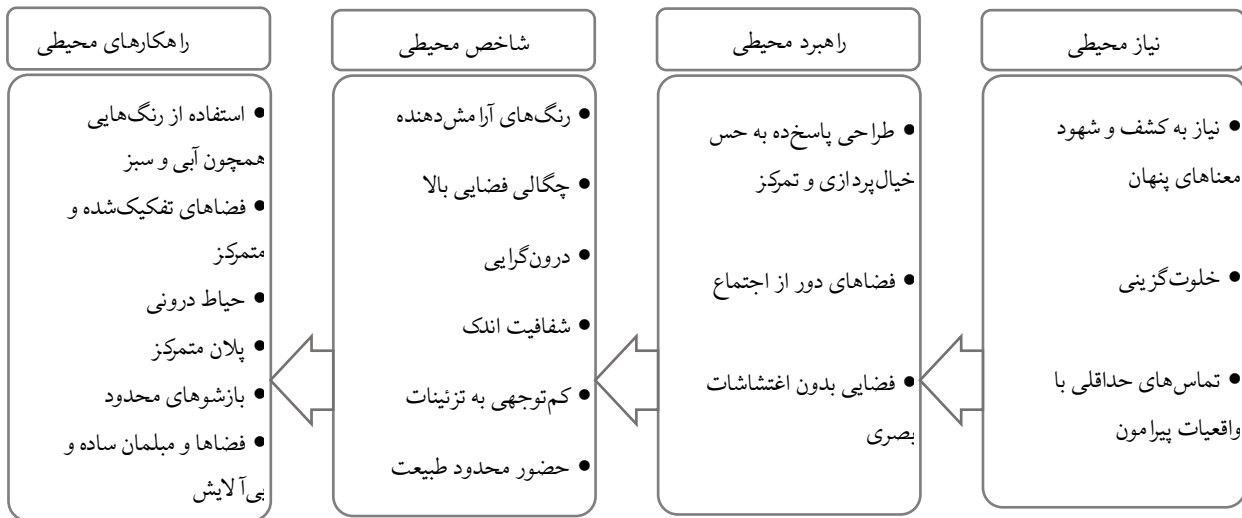
شکل ۸: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت حسی برون‌گرا

تیپ شخصیتی شهودی

درون‌گرا

این افراد به کشف و شهود معناهای پنهان در قلمرو شخصی خود نیاز دارند و طراحی پاسخ‌ده به حس خیال‌پردازی و تمرکز، راهبرد مناسبی است که با شاخص‌هایی همچون رنگ‌های آرامش‌دهنده و سیالیت فضا محقق می‌شود. خلوت‌گزینی این تیپ موجب ترجیح فضاهای اجتماع‌گریز می‌شود که شاخص‌هایی چون درون‌گرایی و شفافیت اندک می‌تواند ترجمان مناسبی برای این ویژگی فضایی باشد. همچنین این گروه تمایل کمتری به روبه‌رو شدن با واقعیات جهان پیرامونی دارند و موجب می‌شوند فضایی با حداقل اغتشاشات بصری طلب کنند که با راهبردهایی مانند کم‌توجهی به تزئینات و حضور حداقلی طبیعت سازگار است. در ادامه روند رسیدن به راهکارهای پیشنهادی از نیازهای محیطی استخراج‌شده در قالب شکل ۹ بیان می‌شود.

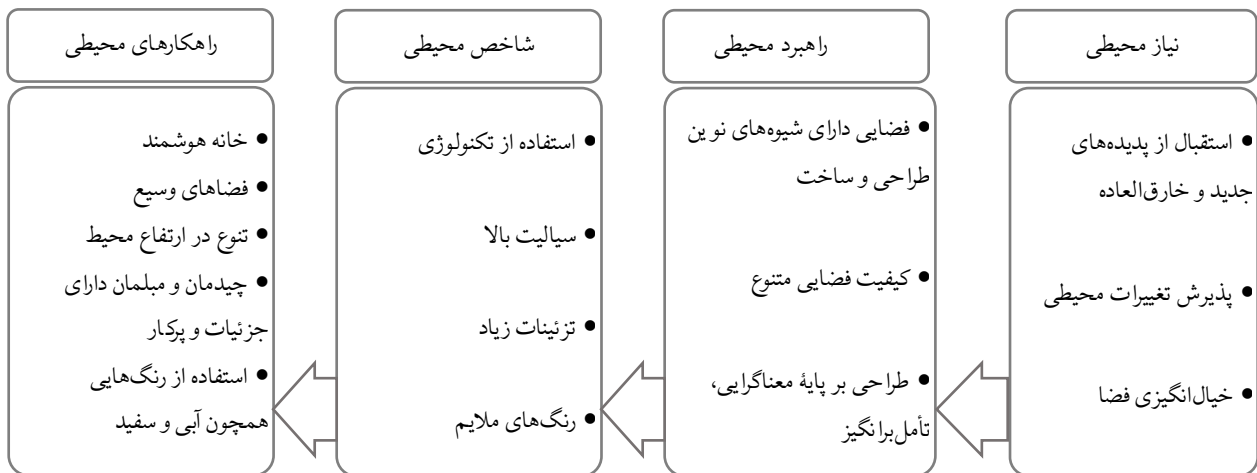
ظریف فیروز عسگری و همکاران / تحلیلی بر ویژگی‌های قلمرو شخصی در مسکن براساس تیپ‌های شخصیتی یونگ



شکل ۹: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت شهودی درون‌گرا

برون‌گرا

افراد این تیپ شخصیتی از پدیده‌های جدید و خارق‌العاده استقبال می‌کنند. از مظاهر پاسخ‌گویی به این نیاز، فضایی دارای شیوه‌های نوین طراحی و ساخت و به‌دنبال آن، استفاده‌حداکثری از فناوری است. پذیرش تغییرات محیطی در این گروه از افراد، کیفیت فضایی متنوع را به‌دنبال دارد که با شاخص محیطی سیالیت فضایی بالا محقق می‌شود. درنهایت برای پاسخ‌گویی به نیاز خیال‌انگیزی فضا، طراحی فضا باید براساس معناگرایی و تأمل‌برانگیز صورت گیرد که این امر با تزئینات و رنگ‌های ملایم امکان‌پذیر می‌شود. برای تمام شاخص‌های ذکرشده در این بخش، در شکل ۱۰ راهکارهایی مناسب بیان شده است.



شکل ۱۰: روند ارائه راهکار محیطی برای شخصیت شهودی برون‌گرا

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، کمتر کسی به نقش پررنگ مکان معماری در فراهم‌کردن حس رضایت و آرامش مورد نیاز انسان تردید می‌کند، اما در عمل همواره این موضوع جزء موضوعاتی است که در معماری امروزی جامعه ما از آن غفلت شده است. با وجود این، دنیای معماری و طراحی محیط، انسان‌محور شده و توجه به نیازها و سعی در رشددهی مادی و معنوی انسان توسط محیط، ارزش فراوانی پیدا کرده است. یکی از جنبه‌های مهم انسان، که در محیط مؤثر است یا از آن متأثر است، جنبه روان‌شناختی اوست که تا به حال توجه به این بخش از ابعاد وجودی انسان در طراحی، به اشکال و راه‌های گوناگون صورت گرفته است. نظریه تیپ‌های شخصیتی یونگ از آن دسته نظریاتی است که با وجود قدمت آن هنوز رد نشده، بلکه روان‌شناسان متأخر آن را تکمیل نیز کرده‌اند؛ بنابراین براساس مطالعات انجام‌شده، این نظریه می‌تواند پایه‌و‌اساس خوبی برای شناخت انسان در جهت آفرینش محیطی درخور گرایش‌های روانی و شخصیتی او باشد. طبق تحقیقات انجام‌شده، در این پژوهش، کیفیت رابطه دوسویه بین محیط و انسان برپایه نظریه تیپ‌های شخصیتی یونگ و تأثیر رفتار و روان انسان در کیفیت محیط ساخته‌شده بیان شد. برای به‌کاربردن ویژگی‌های شخصیتی در طراحی محیط مسکونی، نیازها و راهبردهای محیطی را براساس مطالعات تطبیقی روان‌شناختی و معماری، استخراج و براساس آن‌ها، شاخص و راهکار ارائه داده شد. این راهکارها طراح را در راستای طراحی محیط‌هایی مطلوب‌تر هدایت می‌کنند. با توجه به این موضوع که فرایند مذکور در راستای پاسخ‌گویی به نیاز انسان در قلمرو شخصی وی بوده است، تاحدی که محیط مصنوع می‌تواند مؤثر باشد، موجب رضایت خاطر و همچنین شکوفایی هرچه بیشتر ابعاد وجودی انسان می‌شود. باید خاطر نشان کرد که در مباحث روان‌شناسی محیط، از جمله موضوع این پژوهش، دو معیار مطروحه، یعنی شخصیت و محیط (فضای شخصی سازی‌شده)، باهم هم‌بستگی دارند، ولی رابطه علی بین آن‌ها برقرار نیست؛ چراکه شخصیت انسان تنها یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی محیط قلمرو انسانی در مسکن است. با توجه به تعریف، در قلمرو شخصی می‌توان فقط شخصیت خود فرد را مدنظر قرار داد، اما در طراحی فضاهایی که اشتراکی یا جمعی هستند، باید به شخصیت سایر افراد ساکن هم توجه شود و این مهم، چالشی برای پژوهش‌ها و تحلیل‌هایی فراتر از این پژوهش و پیشنهادی برای پژوهشگران علاقه‌مند در این حوزه است.

براساس روند پژوهش حاضر و یافته‌های ارائه‌شده، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه، در راستای تبدیل راهکارهای محیطی ارائه‌شده به الگوهای فضایی و آزمودن آن‌ها به دست افرادی با تیپ شخصیتی متناسب قدم برداشته و به پیشبرد این روند کمک کنند.

منابع

- آلمن، ایروین (۱۳۹۵). محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- استودن، روث (۱۳۹۳). یونگ: مفاهیم کلیدی. ترجمه افسانه شیخ الاسلام‌زاده. تهران: نشر عطائی.
- اندرو، مک و تی، فرانسیس (۱۳۹۲). روان‌شناسی محیطی. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: انتشارات زرباف اصل.
- بزرگ، حمیده و پاکزاد، جهان‌شاه (۱۴۰۰). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمان‌شهر.
- ثقفی، محمدجواد و طاهری سیاح، فاطمه (۱۳۹۶). معماری و MBTI؛ بررسی شیوه استفاده از شخصیت‌شناسی و ویژگی‌های شخصیتی کاربر فضا در طراحی مسکن. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۲(۱)، ۷۵-۸۸.
- <https://doi.org/10.22059/jfaup.2017.62267>
- دانشگر مقدم، گلرخ، بحرینی، سیدحسین و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۰). تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان‌ساخت. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۳(۴۵)، ۲۷-۳۸.
- <https://doi.org/20.1001.1.22286020.1390.3.45.3.5>
- دی کی چینگ، فرانسیس (۱۴۰۲). معماری: فرم، فضا، نظم. ترجمه علیرضا تغابنی. تهران: وارث.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی آلن (۱۴۰۲). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۹۵). گزینه‌ای از معماری معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجان. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- طباطبائی‌ان، مریم و تمنایی، مینا (۱۳۹۲). نقش محیط‌های ساخته‌شده در سلامت روان. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۵(۱۱)، ۱۰۹-۱۰۹.
- عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹). عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی. نشریه هنرهای زیبا، ۵(۴)، ۱۱۸-۱۰۹.
- عینی‌فر، علیرضا و آقاپطینی، آزاده (۱۳۹۰). مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی. مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. نشریه هنرهای زیبا، ۳(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- <https://doi.org/20.1001.1.22286020.1390.3.47.2.8>
- عزتی، مهدی و عباسی، همایون (۱۳۹۲). زیبایی‌شناسی در معماری، نمونه موردی مبانی ادراک. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری. تبریز.
- فون مایس، پیر (۱۳۹۰). عناصر معماری از صورت تا مکان. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کوپر، کلیر. راس و کلی ال. وینترز، ادوارد (۱۳۸۸). مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا. ترجمه آرش ارباب جلفایی. تهران: نشر خاک.
- لنگ، جان (۱۳۹۴). آفرینش نظریه معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۹۵). سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیط. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نمازیان، علی (۱۳۷۹). نیازهای روانی در رابطه با محیط مصنوع. صفه، ۱۰(۳۰)، ۷۴-۸۱.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۰). ضمیر پنهان. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر قطره.
- Cook, R., & Furnham, A. (2012). Aesthetic preferences for architectural styles vary as a function of personality. *Imagination, Cognition and Personality*, 32(2), 103-114. <https://doi.org/10.2190/IC.32.2.b>
- Dehghani Tafti, M., Ahmadzad-Asl, M., Memarian, G., Fallah Tafti, M., Rajimehr, R., Soltani, S., Fatemeh Sadat, M., Abdol-Hosseini, V., Shima T., M., & Farhang, M. (2022). Personality traits can predict architectural

- preferences: A machine learning approach. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*.
<https://doi.org/10.1037/aca0000519>
- Hull, R. F. C., Baynes, H. G., & Read, H. (1990). *The Collected Works of CG Jung: Psychological Types/a Revision by RFC Hull of the Translation by HG Baynes*. Princeton University Press.
- Lee, H., & Park, S. (2013). Study on Users' Housing and Interior Design Needs Affected by Personality Types. *Korean Institute of Interior Design Journal*, 22(6), 88-97. <https://doi.org/10.14774/JKIID.2013.22.6.088>
- Miller, C. (2016). Space and the Psychology of Personality Types: How Personality Influences Reactions to Architectural Space. <https://hdl.handle.net/11244.46/91>
- Matthews, C., Hill, C., Duncan Case, F., & Allisma, T. (2010). Personal bias: the influence of personality profile on residential design decisions. *Housing and society*, 37(1), 1-24.
<https://doi.org/10.1080/08882746.2010.11430578>
- Ravi, M., & Zhu, J., (2009). Blue or Red? Exploring the Effect of Color on Cognitive Task Performance. *Science* 323, 5918, 1226-1229. <https://doi.org/10.1126/science.1169144>
- Roberts, Craig & Russell, Julia (2002). *Angles on Environmental Psychology*, Nelson Thornes Ltd.
- Vartanian, O., Navarrete, G., Palumbo, L., & Chatterjee, A. (2021). Individual differences in preference for architectural interiors. *Journal of Environmental Psychology*, 77, 101668.
<https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2021.101668>

Analyzing the characteristics of the personal territory in housing based on Jung's personality types

Atefeh Zarif Firooz Asgari¹, Sara Mohammadzadeh Akbari^{2*}, Maassoumeh Barghchi³

¹ MA. Student in Department of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

² MA. Student in Department of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

³ Assistant Prof. Department of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran.

Abstract

Personalization of various aspects of architectural designs is one of the newest topics in the modern world. In this regard, it is important to know the human and the characteristics of his living environment and how to establish the relationship between these two factors. The purpose of this research is to analyze and describe this relationship with a qualitative method and by relying on documentary-library studies with the aim of preparing a comprehensive design guide based on Jung's personality types; Therefore, first the theory of Jung's personality types is described and discussed. Then, looking at the concept of territory, seclusion and personalized space in housing, the needs of the individual, including environmental needs, based on psychological characteristics have been analyzed; Because personalized territories increase the sense of belonging to the place and give identity to residential units. In the following, environmental design strategies are extracted and based on environmental indicators taken from the basic theory, environmental solutions for territory personalization are presented, which can be used as a guide for designers to design the environment based on the personality types of Jung's theory.

Keywords: Human, Character, Need, Territory, Housing